



## اشعار دخیل در دیوان رشیدالدین وطواط در چاپ مصحح نفیسی

محمد احمدی\*

مرتب‌گر گروه آموزش ارتباطات میان‌فرهنگی دانشگاه ریکو

سارا سعیدی

استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مطالعات خارجی توکیو

(از ص ۷۷ تا ۹۶)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۸/۱۲، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۲۴

علمی - پژوهشی

### چکیده

رشیدالدین وطواط، شاعر سخن‌دان و صاحب تألیف دربار اتسز خوارزم‌شاه، از مشهورترین رجال ادبی قرن ششم هجری به‌شمار می‌آید. آوازه و طواط حتی در زمان حیات وی آفاق را فراگرفته و اغلب شاعران هم‌عصر او مانند ادیب صابر، عبدالواسع جبلی، سوزنی سمرقندی، سیدحسن غزنوی، اثیرالدین اخسیکتی، انوری و خاقانی در سروده‌های خود به نام او اشاره کرده‌اند. صاحبان تذکره همواره گزارش مفصلی از احوال و اشعار وی آورده و پیوسته او را از مهم‌ترین شاعران مدیحه‌پرداز و مدحت‌سرا در قرن ششم هجری و معاصر با خوارزم‌شاهیان شمرده‌اند. آوازه و طواط به‌عنوان شاعری صاحب‌نفوذ و بلندمرتبه در مقابل گمنامی دیگر شاعران عصر یا سخنوران پس از او، گاه باعث شده است که تذکره‌نویسان و کاتبان اشعاری از دیگر شعرا را ناهجا به وی نسبت دهند؛ اشعاری که از لحاظ سبکی به‌هیچ‌وجه با دیگر اشعار وطواط سازگاری ندارد و جسته‌گریخته حتی شاعر آن نیز با قدری تتبع و تفحص در برخی تذکره‌ها و دیوان‌ها مشخص می‌شود. در این مقاله اشعار دخیل در چاپ مصحح نفیسی که تا به اکنون تنها تصحیح موجود از دیوان رشید وطواط است، بررسی شده است. این اشعار که به‌احتمال قریب به‌یقین از آن وطواط نیست، در نسخه‌های موجود از دیوان او وارد شده و سعید نفیسی نیز به تبع آن، این سروده‌ها را از وطواط دانسته است. در این تحقیق ضمن ذکر دلایلی که انتساب چنین اشعاری را به وطواط تضعیف می‌کند، تا جای ممکن سراینده شعرهای دخیل در دیوان او نیز مشخص شده است. حاصل این پژوهش می‌تواند گامی برای غنای مطالعات درباره اشعار رشیدالدین وطواط و متن پژوهی ادبی باشد.

**واژه‌های کلیدی:** رشیدالدین وطواط، دیوان رشیدالدین وطواط، سعید نفیسی، اشعار دخیل، متن پژوهی.

### ۱. مقدمه

در اینکه رشید وطواط از سرشناس‌ترین رجال ادبی قرن ششم هجری به‌شمار می‌آید و در اینکه وی در دربار اتسز خوارزم‌شاه صاحب نفوذ و قدرت فراوان بوده است، تردیدی نیست. تنها نگاهی گذرا به تذکرها، جنگ‌ها و دیوان‌های شعرای هم‌عصر او، نشان می‌دهد که اهل علم و اهل شعر تاجه‌اندازه در مقام و منزلت او سخن گفته و آثار و اشعارش را ستوده و او را بزرگ و محتشم داشته‌اند. عوفی که به‌احتمال قریب به‌یقین در اواخر قرن شش و اوایل قرن هفت هجری می‌زیسته و این تاریخ قریب به عهد وطواط است، دربارهٔ او می‌نویسد:

صاحب‌دولتی که کمال فضل و وفور ادب او دل‌های ملوک زمان و ارباب دولت را صید و قید خود کرده بود، بنای فضلی که مهندس خاطر او نهاد تا انقراض عالم، منهدم نخواهد شد. و هرکس که در صنعت کتابت تکلفی تکفل نماید یا تنوقی واجب بیند، همه شاگرد سخن اویند [...] (۱۳۲۴: ۸۰/۱).

و دولت‌شاه سمرقندی نیز که از اقدم تذکره‌نویسان فارسی است و در قرن نهم کتاب معروف *تذکره‌الشعراء* را نوشته است، دربارهٔ وطواط می‌نویسد:

بزرگ و فاضل و ادیب و ذوفنون بوده و بزرگواری و فضل او را همگنان مقرر و معترف شده‌اند... در روزگار خود استاد فرقهٔ شعرا و فصحا بوده و همواره شعرای اطراف از نزدیک و دور قصد ملازمت او می‌نموده به استفادهٔ علم شعر و علوم دیگر مشغول می‌بوده‌اند، و او را ورای طور شاعری جاه و مراتب عظمی دست داد [...] (۱۳۸۲: ۸۷).

شعرا نیز بسیار وی را ستوده‌اند و شعر او را تحسین و تمجید کرده‌اند؛ چنان‌که

عبدالواسع جبلی در حق او گوید:

عالم علم رشیدالدین در باغ خرد	آن درختی است که همواره گهر بار دهد
زینت گوهر آدم بود آن کس کو را	ملک‌العرش چنان لفظ گهر بار دهد...

(۱۳۳۹: ۶۱۳)

یا انوری چنین او را می‌ستاید:

خرد دوش از من بپرسید و گفتا	که ای پیش نطق تو منطق فسانه
بگو چیست آن طرفه صیاد دل‌ها	که از لفظ و معنی‌ش دام است و دانه...
هوا و نفاق از میان برگرفتم	کلام رشید آن خداوند خانه
رشید اختیار زمانه‌ست و طبعش	در این فن چو در زلف ژولیده شانه...

(۱۳۶۴: ۷۲۱/۲ - ۷۲۲)

حتی خاقانی نیز که از حیث استعمال لغات و ترکیبات بدیع، برجسته‌ترین شاعر قرن ششم محسوب می‌شود و خود را یگانه‌تاز اقلیم سخن و خاتم سخن‌دانی می‌داند، در حق او گفته است:

بهار عام جهان را ز اعتدال مزاج      بهار خاص مرا شعر سیدالشعرا  
سزد که عید کنم در جهان به عز رشید      که نظم و نثرش عید مؤبد است مرا  
اگر به کوه رسیدی روایت سخنش      زهی رشید! جواب آمدی به جای صد...

(۱۳۸۵: ۳۰)

این همه نشان می‌دهد که وطواط در میان شعرا و عالمان زمان خود، جایگاهی ویژه داشته و اشعار او در میان اهل عصر دست‌به‌دست می‌شده است. این عامل، یعنی شهرت فراگیر وطواط، شاید به تنهایی برخی از صاحبان تذکره و کاتبان را وامی‌داشته که اشعار ناشناس و بی‌نام‌ونشان یا کم‌نام‌ونشان را به وی منسوب و مقداری از سروده‌های دیگر شاعران نازل‌تر را از این طریق حفظ کنند؛ زیرا آوازه و وطواط و جایگاه او در دربار اتسز خوارزم‌شاه خود دلیل خوبی برای کاتبان و ناسخان بوده است تا در حفظ و نگهداشت اشعار وی بکوشند. علاوه‌براین، شهرت وطواط به استعمال صنایع بلاغی و به‌کارگیری موازنه، جناس، سجع و ترصیع در اغلب اشعار خود، دلیلی دیگر برای انتساب اشعاری از همین دست به وی بوده است. در ادامه این مقاله اشعاری که در چاپ مصحح نفیسی به‌اشتباه در *دیوان وطواط* وارده شده است، بررسی می‌شود و دلایل رد انتساب آن‌ها به وطواط، باتوجه‌به نسخه‌های *دیوان* وی و تذکره‌هایی که متضمن اشعار اوست، ذکر می‌شود.

## ۲. درباره چاپ سعید نفیسی

*دیوان رشیدالدین وطواط مصحح نفیسی*، تنها چاپ *دیوان* این شاعر به‌شمار می‌آید. این کتاب را کتابخانه بارانی در سال ۱۳۳۹ منتشر کرده و از آن تاریخ، متأسفانه هیچ تصحیح دیگری از این *دیوان* به مجامع علمی عرضه نشده است. تصحیح نفیسی باوجود محاسن بسیار، به‌ویژه از لحاظ جامعیت و گردآوری تمامی اشعار منسوب به وطواط، از ورطه لغزش و خطا مصون نمانده است. از آنجاکه اکثر قریب‌به‌اتفاق نسخ مورد استفاده نفیسی در قرون متأخر در سلک کتابت درآمد و تقریباً هیچ‌کدام پیش‌تر از قرن یازدهم استنساخ نشده‌اند و همچنین جُنک‌ها و تذکره‌های موردنظر وی نیز چندان قدمتی ندارند و باتوجه‌به اینکه اخیراً پژوهشگران معاصر، سفینه‌ها و تذکره‌های متقدم و مهم‌تری یافته‌اند، می‌توان گفت که خطاهای لغوی و ساختاری فراوانی در تصحیح وی

راه یافته و اشعار بسیاری نیز که سروده دیگر شاعران است، در دیوان وطواط وارده شده است. نخستین بار احمدرضا یلمه‌ها در مقاله «ضرورت تصحیح مجدد دیوان رشید وطواط» (۱۳۸۹) مسئله تصحیف‌ها و خطاهای بسیار نسخه چاپی مصحح نفیسی را مطرح کرد و با مقابله نسخ، به مواردی از اشتباهات نفیسی اشاره کرد و بعضی از لغزش‌های او را متذکر شد. پس از وی سارا سعیدی و تقی پورنامداریان نیز در مقاله «بررسی انتقادی دیوان رشیدالدین وطواط» (۱۳۹۵) خطاهای مصحح را که از قضا در نسخه‌های موجود از دیوان وطواط هم به اشتباه ضبط شده بودند، تصحیح و تنقیح کردند و برخی از نقایص تصحیح نفیسی را برشمردند. در مقاله پیش رو آن دسته از اشعاری که در دیوان وطواط، مصحح نفیسی، وارد شده است، لیکن به احتمال قریب به یقین از آن شاعر نیست، بررسی و با توجه به نسخه‌ها و سفینه‌های شعری بسیار، دلایل رد انتساب این اشعار به رشیدالدین وطواط ذکر می‌شود.

### ۳. نسخ و سفینه‌های مورد استفاده در این تحقیق

برای رد انتساب اشعار دخیل در دیوان رشید وطواط، از نسخه‌ها و سفینه‌هایی بهره گرفتیم که متضمن اشعار شاعر است. در بخش بعد، با تکیه بر اینکه کدام یک از نسخ و سفینه‌ها اشعار مورد بحث در دیوان مصحح نفیسی را دربردارند یا ندارند، در صحت انتساب آن‌ها به وطواط بحث می‌کنیم. این منابع در حقیقت از جامع‌ترین و مهم‌ترین مکتوباتی هستند که اشعار رشیدالدین وطواط را در قرون و اعصار گذشته ضبط کرده‌اند. نام و نشان آن‌ها به ترتیب اهمیت در ادامه آمده است.

#### ۳-۱. نسخه‌ها

**الف.** نسخه کتابخانه چستربیتی دوبلین به شماره ۱۰۳: از میان نسخ موجود دیوان رشیدالدین وطواط، نسخه موجود در کتابخانه چستربیتی دوبلین که در اواخر قرن هفتم، یعنی حدود یک قرن پس از مرگ شاعر کتابت شده است، اقدم نسخ و از نظر قدمت و اصالت مورد تأیید اهل فن است (← بینش، ۱۳۶۹: ۳۲-۳۳ و مدبری، ۱۳۸۹: ۷۴). فیلم این نسخه با شماره ۱۸۶۵ و عکس آن به شماره ۴۵۰۵ در کتابخانه دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. از این پس از این نسخه با عنوان نسخه «الف» یاد خواهد شد.

**ب.** نسخه خلاصه الأشعار و زبدة الأفكار کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۴۵۴۹: این نسخه در قرن سیزدهم کتابت شده است که از آن با عنوان «ب» یاد می‌کنیم.

ج. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی با شماره ۴۸۴۱/۲: تاریخ کتابت آن ۹۹۶ق است. تقریباً نیمی از اشعار و طواط در این نسخه آمده است. در این مقاله از این نسخه با عنوان نسخه «ج» یاد خواهد شد.

د. نسخه موزه بریتانیا به شماره ۳۳۷۶: این نسخه در ۱۰۰۲ق کتابت شده است. فیلم این نسخه به شماره ۱۲۸۳ و ۷۰۶ و عکس آن به شماره ۱۵۲۳ و ۲۳۰۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود که در این پژوهش، نسخه «د» نامیده شده است. ه. نسخه موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۳۶۰۱: این نسخه در ۱۰۱۸ق کتابت شده است و تقریباً تمامی اشعار دیوان و طواط در آن آمده است. از این نسخه در ادامه این مقاله با عنوان نسخه «ه» یاد خواهد شد.

و. نسخه موزه بریتانیا به شماره p.51439. این نسخه در قرن یازدهم کتابت شده است. در این مقاله از این نسخه با عنوان نسخه «و» یاد می‌کنیم.

ز. نسخه کتابخانه فیضیه قم به شماره ۱۲۰: این نسخه در قرن یازدهم کتابت شده و نزدیک‌ترین نسخه به نسخه «الف» است.

ح. نسخه کتابخانه ملی به شماره ۱۹۸۴: این نسخه احتمالاً در قرن یازدهم کتابت شده است. این نسخه از لحاظ ضبط اشعار شباهت بسیار زیادی به نسخه «ج» دارد. از این پس از این نسخه با عنوان «ح» یاد می‌شود.

ط. نسخه کتابخانه ملی ملک با شماره ۴۷۱۶/۱: این نسخه در اوایل قرن یازدهم کتابت شده است. از این نسخه با عنوان نسخه «ط» یاد خواهد شد.

ی. نسخه کتابخانه ملی پاریس به شماره s.p.799: میکروفیلم این نسخه با شماره ۶۵۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران محفوظ است. این نسخه به نسخه خلاصه/الأشعار شباهت تام و تمام دارد و باتوجه به این شباهت و خط نسخه که خط خوش نسخ است، احتمالاً در سده یازدهم تألیف و کتابت شده است. در ادامه از این نسخه با عنوان نسخه «ی» یاد خواهد شد.

ک. نسخه کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۹۸۱۰. این نسخه فاقد انجامه و تاریخ کتابت است؛ اما به نظر می‌رسد در قرن یازدهم یا دوازدهم کتابت شده باشد. از این نسخه در ادامه با نام «ک» یاد می‌شود.

## ۲-۳. سفینه‌ها و جنگ‌ها

ل. نسخهٔ منتخب دیوان‌های کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی با شمارهٔ ۱۴۰۱۷/۷: تاریخ کتابت نسخه، ۹۵ هجری ذکر شده است. ترقیمهٔ این مجموعه مجعول است، ولی تاریخ کتابت آن به حدود سدهٔ ۸ هجری می‌رسد (← سروری، ۱۳۹۵: ۴۶۱). از اشعار رشیدالدین وطواط چهار قصیدهٔ کامل و دو قصیدهٔ ناقص و یک قطعه در این نسخه آمده است.

م. جنگ یحیی توفیق: در ۷۴۵ ق کتابت شده است و با شمارهٔ ۱۷۴۱/۴۴۹ در کتابخانهٔ سلیمانیهٔ ترکیه نگهداری می‌شود.

ن. جنگ گنج‌بخش به شمارهٔ ۱۴۴۵۶: در کتابخانهٔ گنج‌بخش پاکستان موجود است. این مجموعه که به جنگ گنج‌بخش معروف است، در اواخر سدهٔ هشتم هجری کتابت شده است.

س. جنگ شمارهٔ ۵۳۴ مجلس شورای اسلامی: تاریخ گردآوری آن احتمالاً قرن هشتم و تاریخ کتابت آن نیز متأخر از سدهٔ نهم هجری نیست (← چترایی، ۱۳۹۲: ۷۱-۷۲).

ع. سفینهٔ شعری با نام تذکرهٔ شعرا در کتابخانهٔ مجلس با شمارهٔ ۹۰۰ محفوظ است که به نام جنگ ۹۰۰ شناخته شده است. تاریخ کتابت این جنگ مشخص نیست؛ اما برخی از محققان تاریخ کتابت آن را سدهٔ هشتم هجری تخمین زده‌اند (← میرافضلی، ۱۳۸۳: ۱۱۱).

ف. سفینهٔ ترمذ که در قرن هشتم گردآوری شده و تنها نسخهٔ خطی آن نیز در قرن هشتم کتابت شده است. این سفینه با شمارهٔ ۱۸۳ در کتابخانهٔ دولتی نسخه‌های خطی مدراس محفوظ است و اخیراً به همت امید سروری با همکاری سیدباقر ابطحی منتشر شده است.

ص. روضة‌التناظر و نزهة‌الخاطر که سفینه‌ای موضوع‌بندی‌شده و متعلق به سدهٔ هشتم هجری است. تاریخ کتابت دست‌نویس مورد مراجعهٔ ما از این سفینه مشخص نیست؛ اما تاریخ گردآوری و کتابت آن از یکدیگر چندان دور به‌نظر نمی‌رسد (← نوریان، شریفی و رشیدی، ۱۳۸۶: ۴۰). این جنگ با شمارهٔ ۷۶۶ در کتابخانهٔ ملی دانشگاه استانبول محفوظ است و میکروفیلم آن با شمارهٔ ۲۴۷ در کتابخانهٔ دانشگاه تهران نگهداری می‌شود.

## ۴. اشعار دخیل در دیوان رشیدالدین وطواط

در این بخش براساس نسخ و جنگ‌های معرفی‌شده در بخش قبل، اشعاری بررسی می‌شود که در چاپ مصحح نفیسی در دیوان وطواط وارد شده است؛ اما به‌احتمال قریب‌به‌یقین از آن‌ها نیست. در این موضع ضمن نقل اشعار، دلایل مختلفی که انتساب

آن‌ها را به وطواط تضعیف می‌کند، ذکر می‌کنیم. نخست قصیده‌ای است در مدح خاقانی شروانی با این مطلع:

ز دور جنبش این چرخ سیم‌گون‌سیما      چو سیم و زر شده گیر اشک ما و چهره ما  
(وطواط، ۱۳۳۹: ۲۴)

که به احتمال بسیار زیاد سروده وطواط نیست. اکنون دلایل ردّ انتساب آن را ذکر می‌کنیم:

۱. این قصیده در میان تمام نسخه‌هایی که در بخش قبل ذکر شد، تنها در نسخه‌های «ح» و «ط» آمده است که هردو از دیگر نسخ بررسی شده در این تحقیق، اصالت و اهمیت کمتری دارند. هردو نسخه در قرن یازدهم کتابت شده‌اند و تفاوت‌های بسیاری با نسخه «الف» که اقدم نسخ دیوان وطواط است، دارند. این نکته که قصیده مذکور در میان هجده نسخه و جُنگ مورد بررسی در این مقاله، تنها در دو نسخه متأخر آمده است، به خودی خود انتساب آن را به وطواط تضعیف می‌کند؛ به عبارت دیگر، عدم پشتیبانی نسخه‌های کهن، انتساب این قصیده را به وطواط با تردید همراه می‌کند.

۲. این قصیده در دیوان مجیرالدین بیلقانی (۱۳۵۸: ۲۰-۲۲) نیز آمده است و از لحاظ سبکی شباهت تامّ و تمام به باقی اشعار وی و درکل، سبک شاعران ارّان و شروان دارد.

۳. این قصیده از لحاظ سبکی به هیچ وجه به دیگر اشعار وطواط شبیه نیست و زبان آن از زبان وطواط بسیار دور است؛ مگر اینکه بگوییم وطواط در این قصیده زبان و سبک معهود خود را ترک کرده تا به طرز خاقانی و شعرای منطقه او قصیده‌ای بسازد.

۴. می‌دانیم که در دیوان خاقانی قصیده‌ای در جواب یکی از اشعار وطواط با مطلع زیر موجود است:

مگر به ساحت گیتی نماند بوی وفا      که هیچ انس نیامد ز هیچ انس مرا  
(۱۳۸۵: ۲۹)

گویا برخی کاتبان که از وجود چنین شعری در مدح وطواط در دیوان خاقانی مطلع بوده‌اند، قصیده مرسوله وطواط را نیافته و به همین دلیل قصیده مجیرالدین بیلقانی را که از قضا در مدح خاقانی بوده و جای آن در دیوان وطواط خالی بوده است، در نسخه‌های خطی دیوان او وارد کرده‌اند.

۵. از قصیده‌ای که رشید وطواط برای خاقانی فرستاده، دو بیت باقی مانده است؛ این دو بیت در حاشیه دیوان خاقانی که در قرن ششم کتابت شده و در کتابخانه مجلس شورای

اسلامی محفوظ است، ضبط شده است. قبل از شروع قصیده خاقانی در این نسخه نوشته شده است: امام رشیدالدین وطواط قصیده‌ای بدو فرستاد؛ اولش این است:

ای سپهر قدر را خورشید و ماه      وی سریر فضل را دستور و شاه  
افضل‌الدین بوالفضایل بحر فضل      فیلسوف دین‌فزای کفرکاه  
(خاقانی، ش ۹۷۶: برگ ۲۶۹)

ابیات یادشده همچنین در بهارستان جامی نیز آمده است و عنوان آن چنین است: «و رشیدالدین وطواط در مدح وی [خاقانی] گفته است» (جامی، ۱۳۷۹: ۱۴۱)؛ بنابراین تردیدی باقی نمی‌ماند که قصیده وطواط در مدح خاقانی، احتمالاً باید با این ابیات شروع شده باشد و قصیده‌ای که در دیوان مصحح نفیسی آمده، این قصیده نیست. ۶. خاقانی در قصیده‌ای در پاسخ به شعر وطواط تصریح می‌کند که شعر رشید ۳۱ بیت بوده است:

طوبله سخنش سی‌ویک جواهر داشت      نهادمش به بهای هزارویک اسما  
(خاقانی، ۱۳۸۵: ۳۰)

درحالی‌که قصیده موجود در دیوان مصحح نفیسی ۲۹ بیت و در دیوان مجیر ۴۲ بیت است.

۷. در قصیده خاقانی در بیتی اشاره شده که وطواط در قصیده خود خاقانی را «چشمه خضر» خوانده است؛ اما در قصیده مضبوط در چاپ مصحح نفیسی چنین خطایی وجود ندارد:

به صد دقیقه ز آب درمنه تلخ‌ترم      به سخره چشمه خضرم چه خواند آن دریا  
(همان: ۳۰)

۸. قصیده مذکور در دیوان مجیرالدین بیلقانی، مصحح محمدآبادی، در دو نسخه مورد استفاده وی آمده است؛ یکی از این نسخ در سده دهم کتابت شده و از نظر صحت و اصالت تا حدودی قابل اطمینان است. مصحح درباره این نسخه در مقدمه نوشته است: «این نسخه نیز قابل اعتماد و نسبتاً کامل است؛ از این رو جزو نسخ اصلی قرار گرفت» (آبادی، ۱۳۵۸: ۸۸).

باتوجه به دلایل یادشده جای تردید باقی نمی‌ماند که قصیده موجود در دیوان وطواط، آن قصیده‌ای نیست که رشید برای خاقانی فرستاده است و به احتمال زیاد کاتبانی که از وجود شعری از وطواط در مدح خاقانی آگاهی داشته‌اند، به سبب نیافتن



آن شعر، سروده دیگری را که ظاهراً متعلق به مجیرالدین بیلقانی است، در دیوان او وارد کرده‌اند.

دیگر شعر دخیل در دیوان و طواط قصیده‌ای با این مطلع است:

ای ملک را ثنای صدر تو کار      وی فلک را هوای قدر تو بار  
(وطواط، ۱۳۳۹: ۲۲۱)

و دلایل ردّ انتساب آن به و طواط عبارت است از:

۱. این قصیده از میان نسخ و سفینه‌های معرفی شده در بخش قبل در نسخه «ج»، «د»، «ه»، «و» و «ح» آمده است. با تکیه بر نتایج به دست آمده از مطالعه این نسخ، به نظر می‌رسد که آن‌ها نسخه مادر یکسان و مشابهی داشته‌اند و از همین رو کاتبان آن‌ها قصیده مذکور را به اشتباه از روی نسخه مادر یا از روی یکی از همین نسخ، یکی پس از دیگری در دیوان و طواط وارد کرده‌اند. از جمله دلایلی که می‌توان برای اثبات یکسان بودن نسخه مادر ارائه کرد، آن است که تقریباً تمام اشعار و طواط در این نسخ ضبط‌های مشابه و همانندی دارند و یا اشتباهات، نواقص و کاستی‌های یکسانی در آن‌ها راه یافته است.

۲. این قصیده در سفینه شماره ۳۷۷۵ کتابخانه اسماعیل صائب ترکیه، کتابت شده در ۶۸۱ق و جنگ مونس/الأحرار فی دقایق/الأشعار، کتابت شده در ۷۴۱ق به قوام‌الدین گنجوی منسوب است و اگرچه سعید نفیسی نیز در حاشیه چاپ مصحح خود متذکر شده که «این قصیده در بیشتر جاها به نام قوامی گنجوی، شاعر معاصر رشید آمده است و تنها در یک نسخه از دیوان رشید ضبط شده است» (وطواط، ۱۳۳۹: ۲۲۱)، اما باز این سروده را در تصحیح خود آورده و مستندات دیگر را نادیده گرفته است. جنگ شماره ۳۷۷۵ یکی از کهن‌ترین مجموعه‌های شعر فارسی و عربی است که از حیث قدمت و اصالت اهمیت بسیاری دارد (← بشری، ۱۳۸۹: ۳۶). در برگ آغازین این جنگ، قصیده مذکور آمده و به تصریح شاعر آن، قوام‌الدین الجنزی (گنجه‌ای/گنجوی) ذکر شده است (دست‌نویس ش ۳۷۷۵: برگ یک). همچنین در مونس/الأحرار نیز که از حیث قدمت و اصالت و اشتمال بر اشعار بسیار و دقت و امانت‌داری مؤلف آن (محمد بن بدرالدین جاجرمی) در نقل و ضبط بیت‌ها حائز اهمیت بسیاری است، شعر یادشده صریحاً به قوامی گنجوی نسبت داده شده است (جاجرمی، ۱۳۳۷: ۸۶/۱). قوام‌الدین محمد یا احمد بن ابی‌بکر مطرزی گنجوی از شاعران سده ششم هجری است که احتمالاً قصیده بدیعیّه مورد بحث

را سروده و آن را «بدائع الأسحار فی صنایع الأشعار» یا چیزی شبیه به آن نام نهاده است (← دیباجی، ۱۳۸۲: ۳۰-۳۱ و بشری، ۱۳۹۲: ۴۲-۴۳).

۳. ممدوح این قصیده قزل‌ارسلان، از اتابکان مشهور آذربایجان است که اگرچه در عهد وطواط می‌زیسته، اما در هیچ شعر دیگری در دیوان شاعر مدح وی نیامده است؛ درحالی‌که وطواط به‌طور معمول برای ممدوحان خود بیش از یک یا دو شعر می‌سازد و این روش معمول او در دیوان است. همچنین بعید به نظر می‌رسد که وطواط با دربار اتابکان آذربایجان ارتباط داشته است.

۴. به‌احتمال بسیار زیاد، به‌سبب اشتها و طواط به استعمال صنایع بلاغی و ترکیبات صناعی و همچنین شاید به‌علت شهرت کتاب *حدائق السحر* وی در علم بدیع، کاتبان نسخ و ناسخان صحف این قصیده‌مصنوعه را که در هر بیت آن آرایه و صنعتی به‌کار رفته است از آن وطواط فرض کرده‌اند و به‌خاطر خمولی و گمنامی قوام‌الدین گنجوی آن را در زمره اشعار رشید آورده‌اند.

۵. در جنگ شماره ۳۷۷۵ کتابخانه اسماعیل صائب ترکیه، عنوان قصیده‌مصنوعه مورد بحث چنین است: «قصیده حدائق السحر فی دقائق الشعر مما صنف الأستاذ الفاضل قوام‌الدین الجزی، رحمه الله علیه رحمه الواسعه» (دست‌نویس ش ۳۷۷۵: برگ یک). شاید یکی از دلایلی که بعدها سبب شده است این قصیده را به وطواط نسبت دهند، عبارت «حدائق السحر فی دقائق الشعر» در عنوان قصیده بدیعیه در نسخه اخیرالذکر است که شباهت تام و تمام با نام کتاب معروف رشیدالدین وطواط دارد.

دیگر شعر دخیل در دیوان وطواط قصیده‌ای است با مطلع

که کرد کار کرم مردوار در عالم؟ که کرد اساس ممالک ممهّد و محکم؟  
(وطواط، ۱۳۳۹: ۳۳۱)

و دلایل ردّ انتساب آن به وطواط عبارت است از:

۱. قصیده مذکور در هیچ‌یک از هجده نسخه مورد بررسی ما در این تحقیق که شامل اقدم و اصحّ نسخ دیوان وطواط است، نیامده و مشخص نیست نفیسی با تکیه بر کدام نسخه این قصیده را آورده است.

۲. این قصیده در دیوان مجیرالدین بیلقانی مصحح محمدآبادی آمده (۱۳۵۸: ۱۳۸) و به دیگر اشعار موجود در دیوان او شباهت بسیار دارد. همچنین قصیده مذکور در *المعجم فی معاییر اشعار العجم* نیز که از مهم‌ترین کتب فارسی در علم بلاغت است و در قرن هفتم تألیف شده، به نام مجیرالدین بیلقانی آمده است (شمس‌قیس رازی، ۱۳۸۸: ۴۳۴) و

ایضاً در *مونس الأحرار فی دقائق الأشعار* که از مهم‌ترین جنگ‌های قرن هشتم هجری به‌شمار می‌آید (جاجرمی، ۱۳۳۷: ۱/ن). گویا رضاقلی‌خان هدایت که در تألیف *مجمع الفصحاء* از *مونس الأحرار* بهره می‌برده و این کتاب از منابع او در تدوین تذکره‌اش بوده است، به حسب آنکه بدرالدین جاجرمی گاه‌وبی‌گاه اشعار سروده خود را نیز در *مونس الأحرار* آورده، قصیده فوق‌الذکر را از آن جاجرمی دانسته است (هدایت، ۱۳۸۲: ۵۹۹/۱)؛ باری به‌نظر می‌رسد که این قصیده سروده کسی جز مجیرالدین بیلقانی نباشد.

۳. این قصیده در چهار نسخه مورد استفاده محمدآبادی در تصحیح *دیوان مجیر* وجود داشته که یکی از آن‌ها نسخه اساس و متن اصلی *دیوان مصحح* او بوده است (مجیرالدین بیلقانی، ۱۳۵۸: هفتادونه) و سه نسخه دیگر نیز از نسخ قابل اعتماد و نسبتاً کامل بوده‌اند (همان: هشتاد-هشتادودو) که جابه‌جا در فرآیند تصحیح با ضبط‌های بهتر وی را یاری داده‌اند؛ باتوجه‌به این مسئله قصیده یادشده به احتمال قریب به‌یقین سروده مجیرالدین بیلقانی است.

۴. ممدوح این قصیده فردی به نام «محمد» است که گویا از ملوک نیز بوده؛ اما در *دیوان وطواط* ممدوحی به این نام که از جمله حاکمان یا ملوک باشد، نمی‌شناسیم.

۵. باتوجه‌به اینکه قصیده مذکور محذوف‌النقط بوده و در کتاب‌های بلاغی از جمله در *المعجم بدان* مثل زده‌اند و به‌عنوان نمونه برای حروف عطل نقل کرده‌اند، مستبعد نخواهد بود اگر بگوییم که شهرت وطواط به صنعت‌پیشگی و به‌کارگرفتن صنایع بلاغی و آرایه‌های ادبی، از جمله عواملی بوده است که این قصیده را به او نسبت دهند و به نام او در برخی از نسخ ضبط کنند.

از دیگر اشعار دخیل در *دیوان وطواط* دو بیت است که بی هیچ توضیحی در بخش غزلیات آمده است:

با تو در سینه جان نمی‌گنجد      تو درونی، از آن نمی‌گنجد  
عشق در سر برفت و عقل برفت      کاین دو در یک مکان نمی‌گنجد  
(وطواط، ۱۳۳۹: ۵۶۶)

و اکنون دلایل ردّ انتساب آن به وطواط:

۱. این ابیات در میان هجده نسخه و جنگ مورد بررسی ما در این تحقیق، تنها در نسخه کتابخانه ملی پاریس، نسخه «ی» و *خلاصة الأشعار*، یعنی نسخه «ب» آمده است. این دو نسخه از ضعیف‌ترین نسخی است که اشعاری از وطواط در آن مضبوط است؛ به عبارت بهتر، به‌سبب ماهیت کشکولی *خلاصة الأشعار* و به‌علت اهتمام تقی‌الدین کاشانی در

ضبط و حفظ اشعار مختلف، ابیات بسیاری در این جنگ به اشتباه به شاعران و سرایندگان دیگر نسبت داده شده است و از آنجا که نسخه «ی» طابق النعل بالنعل شبیه به خلاصه/الأشعار (تألیف شده در ۱۰۱۶ق) است، جای تردید باقی نمی ماند که کاتب آن، این نسخه را از روی یکی از نسخ خلاصه/الأشعار نوشته و از همین رو شعر یادشده را در میان اشعار وطواط آورده است.

۲. ابیات مذکور در دیوان/امیر خسرو دهلوی همراه با تخلص وی در چاپ مصحح سعید نفیسی که از قضا مصحح دیوان وطواط نیز هست، پیدا شد:

با تو در سینه جان نمی گنجد	تو درونی از آن نمی گنجد
تنگ دارد دل مرا که در او	جز تو کس ای جوان نمی گنجد
آن چنانی نشسته اندر دل	که نفس هم در آن نمی گنجد...
عشق در سر فتاد و عقل برفت	کاین دو در یک مکان نمی گنجد
تا که «خسرو» زبان گشاد از تو	سخنش در جهان نمی گنجد

(امیر خسرو دهلوی، ۱۳۶۱: ۳۱۴-۳۱۵)

که باتوجه به بیت تخلص و همچنین مختصات سبکی این غزل، تردیدی باقی نمی ماند که شعر مذکور از آن وطواط نیست و احتمالاً سروده امیر خسرو دهلوی شاعر سده هفتم هجری است.

دیگر شعر دخیل در دیوان وطواط در چاپ مصحح نفیسی، ابیاتی است که ذیل عنوان «در معارف» در بخش مقطعات آمده است:

نکند با عدو مدارا سود	از بر قرب دور باید بود
گرچه داری به ناز کژدم را	بزند هر کجات یابد، زود

(وطواط، ۱۳۳۹: ۵۸۴)

این ابیات که از امثال سایر است و دهخدا نیز آن را در امثال و حکم ذکر کرده است (۱۳۸۳: ۱۸۲۶/۴)، احتمالاً سروده وطواط نیست و دلایل ردّ انتساب آن از این قرار است:

۱. این ابیات تنها در نسخه «ک» آمده است که از نسخ متأخر است.
۲. این شعر در لباب/الکباب عوفی به نام ابونصر احمد بن ابراهیم طالقانی آمده است. عوفی درباره او می نویسد:

از مداحان حضرت نظام الملک بود و نظم او در مدح نظام از انتظام امور در سلک مراد و از رعایت شرایط وفا در مقام وداد خوب تر و مطلوب تر است و به هر دو زبان، شعر او مقبول... در وعظ گوید: نکند با عدو... (۱۳۲۴: ۶۹/۲).

باتوجه به قدمت *لباب‌الالباب* و نادر بودن مضامینی از این دست در اشعار وطواط و همچنین قربت عهد حیات عوفی به زمان وطواط، می‌توان قول عوفی را پذیرفت و این قطعه را از آن ابونصر طالقانی دانست و آن را از اشعار دخیل در *دیوان وطواط* شمرد و هم از این جمله است قطعه

چاکران تو گه رزم چو خیطانند      گرچه خیط نی‌اند، ای ملک کشورگیر  
به گز نیزه قد خصم تو می‌پیمایند      تا بپُرنند به شمشیر و بدوزند به تیر  
(وطواط، ۱۳۳۹: ۵۹۰)

که تا آنجاکه تتبع کردیم، تنها در *آتشکده آذر* و *مجمع‌الفحشاء*، به نام رشیدالدین وطواط آمده است (آذریبگدلی، ۱۳۳۷: ۳۱۰؛ هدایت، ۱۳۸۲: ۸۵۳/۱) و دلایل ردّ انتساب آن به وی عبارت است از:

۱. این ابیات در هیچ‌یک از هجده نسخه مورد بررسی ما در این تحقیق که شامل *دیوان* وطواط و *جنگ‌های دربردارنده اشعار اوست*، نیامده است.
۲. در *خریده‌القصر* و *جریده‌العصر* اثر عمادالدین اصفهانی که از مهم‌ترین تذکره‌های قرن ششم هجری است، این ابیات تلویحاً به ابوالمعالی نحّاس رازی از شعرای قرن ششم نسبت داده شده است. در این کتاب به صراحت نام ابوالمعالی نحّاس رازی ذکر نشده و تنها هنگامی که از اشعار ضیاءالدین فضل‌الله بن علی بن عبدالله بن الحسینی الراوندی سخن گفته می‌شود، می‌نویسد: «و قوله قد عَرَّبَ معنی فارسیّه من قصیده النحّاس» و آنگاه آن ابیات عربی را می‌آورد:

عَبِيدُكَ أَصْبَحُوا يَوْمَ الْقِتَالِ      كَخَيْطَيْنِ فِي شِبْهِ الْمَثَالِ  
بذرعان القنا ذرّعوها و قطعوا      بأنضّلهم و خاطوا بالتّبال  
(اصفهانی، ۱۳۷۵: ۷۲/۹)

که احتمالاً ترجمه ابیات مورد بحث ماست؛ اما مشخص نیست مقصود او از نحّاس همان ابوالمعالی نحّاس رازی است یا شخص دیگری. الیاس نورایی و سهیل یاری گل‌درّه نیز که درباره اشعار پراکنده نحّاس رازی تحقیقی جامع ارائه داده‌اند، در این باب شک و از انتساب بی‌شبهه ابیات یادشده به وی خودداری کرده‌اند (← نورایی و یاری گل‌درّه، ۱۳۹۴: ۳۱۷). ابیات مذکور همچنین در کتاب *محیط زندگی و اشعار و احوال رودکی* به کوشش نفیسی نیز وارد شده که در این کتاب نفیسی ابیات مورد بحث را به نقل از *مجمع الصّنائع فی علوم البدایع* تألیف نظام‌الدین جیویی در زمره اشعار رودکی آورده است (نفیسی، ۱۳۴۱: ۵۰۲). همچنین براساس تحقیق نورایی و یاری گل‌درّه این ابیات در *تاج*

المآثر نظامی برگ ۶۶ بدون نام گوینده آمده و در فرهنگ جهانگیری نیز به نام ظهیر فاریابی ثبت شده که البته در دیوان ظهیر ویرایش یزدگردی نیامده است (نورایی و یاری گل‌دره، ۱۳۹۴: ۳۱۷). به‌هرروی از آنچه گفته شد، محقق است که ابیات مورد بحث به سخنوران مختلفی منسوب بوده و اینکه صاحب خریده/قصر (متوفی: ۵۹۷ ق) که چند سال پس از وطواط (متوفی: ۵۷۳ ق) فوت کرده، آن را از وطواط ندانسته است، تقریباً انتساب آن را به وی رد می‌کند؛ مگر اینکه بپذیریم ابیات عربی نقل‌شده در خریده/القصر ترجمه شعر مورد بحث ما نباشد که البته بعید است.

به‌غیر از این ابیات، دیگر شعر دخیل در دیوان وطواط رباعی‌ای است که در منابع متفاوت به شاعران مختلفی نسبت داده شده است:

چشمی دارم، همه پر از صورت دوست      با دیده مرا خوش است، چون دوست در اوست  
از دیده و دوست فرق کردن نه نکوست      یا اوست به جای دیده یا دیده خود اوست  
(وطواط، ۱۳۳۹: ۶۱۳)

و دلایل ردّ انتساب آن عبارت است از:

۱. این رباعی نیز مانند غزل «با تو در سینه جان نمی‌گنجد...» تنها در نسخه «ی» و «ب» آمده است. همان‌طور که پیش از این نیز گفته شد، نسخ یادشده از سست‌ترین منابع دربردارنده اشعار وطواط هستند و بیشترین اختلاف را با نسخه «الف» دارند که اصحّ نسخ دیوان وطواط است. همچنین بی‌تردید نسخه «ی» از روی خلاصه‌الأشعار نوشته شده که در جای‌جای آن ابیاتی به خطا به دیگر شاعران نسبت داده شده است و مطالب زائد در آن کم نیست.

۲. تقی‌الدین کاشانی صاحب خلاصه‌الأشعار پیش از نقل رباعی مذکور می‌نویسد:  
مولانا عبدالرحمن جامی در بهارستان این رباعی را که نوشته می‌شود، به اسم رشیدالدین نوشته و صاحب تاریخ گزیده به شیخ ابوسعید ابی‌الخیر نسبت داده، علی‌ای‌حال در دیوان وی به نظر نرسید و گویا تتبع مولانا جامی غلط نخواهد بود (ش ۴۵۴۹: برگ ۳۸۸).

و به تبع او کاتب نسخه کتابخانه پاریس نیز پس از نقل رباعی آورده است:  
مولانا عبدالرحمن جامی در بهارستان این رباعی را به اسم او نوشته و صاحب تاریخ گزیده به شیخ ابوسعید ابوالخیر نسبت داده، علی‌ای‌حال در دیوان وی به نظر نرسید و گویا تتبع مولانا جامی [غلط] نخواهد بود (دست‌نویس نسخه پاریس، ش ۷۹۹: s.p. ۲۱۳).

که نشان می‌دهد این رباعی از قدیم به ابوسعید ابوالخیر نیز منسوب بوده است. باری، اگرچه جامی این رباعی را از آن وطواط می‌داند (← ۱۳۷۹: ۱۳۸)، اما صاحب تاریخ‌گزیده و مؤلف حبیب‌السّیر آن را به تصریح به ابوسعید ابوالخیر نسبت می‌دهند (حمدالله مستوفی، ۱۳۶۴: ۶۶۰). خواندمیر می‌نویسد:

از نتایج طبع فیاض آن جناب رباعیات هدایت آیات اشتهار دارد و از آن جمله یکی این است رباعی: چشمی دارم همه... (۱۳۸۰: ۳۱۰/۲).

همچنین این رباعی در *دیوان ظهیرالدین فاریابی* نیز آمده و دو نسخه از نسخ مورداستفاده مصحح آن *دیوان* متضمن این رباعی بوده است (← ظهیرالدین فاریابی، ۱۳۸۱: ۲۶۰). باری، به نظر می‌رسد که این رباعی نه از ابوسعید ابوالخیر باشد و نه از ظهیرالدین فاریابی و نه از شاعرانی که در ادامه خواهد آمد و به احتمال بسیار زیاد، شاعر آن کسی نیست جز رشیدی سمرقندی، از سخنوران قرن ششم هجری در ماوراءالنهر. این رباعی در *لباب‌الآلیاب عوفی* به نام رشیدی سمرقندی آمده است (← عوفی، ۱۳۲۴: ۱۸۰/۲) و شباهت نام «رشیدی» با رشید وطواط شاید یکی از جمله عواملی باشد که رباعی مذکور در *دیوان وطواط* راه یافته است. همچنین این رباعی در *دیوان رباعیات اوحالدالدین کرمانی* نیز آمده است (← اوحالدالدین کرمانی، ۱۳۶۶: ۲۳۳) و نیز در تفسیر *کشف‌الأسرار* و *عدة‌الأبرار* نویسنده، این رباعی را بدون ذکر شاعر آن در نوبه‌الثالثه تفسیر سوره فاتحه آورده است (میبیدی، ۱۳۷۱: ۳۱/۱) که دست‌کم نشان می‌دهد این رباعی در میان شعرا و متقدمان بیشتر برای بیان مفاهیم حکمی و عرفانی کاربرد داشته است. همچنین این رباعی در *کلیات شمس* یک‌جلدی چاپ امیرکبیر نیز در میان رباعیات مولانا آمده است (← مولوی، ۱۳۷۶: ۱۳۳۷)؛ اما شگفت این‌که در رباعیات مولوی در *کلیات شمس* ده‌جلدی مصحح بدیع‌الزمان فروزانفر نیامده است. به‌هرروی این شعر بیشتر در میان اهل تصوف و در متون عرفانی به‌کاررفته و اگرچه صوفیه گاه از معنای ظاهری اشعار شعرای درباری عبور کرده و آن‌ها را اغلب از ساحت عرفانی تفسیر کرده‌اند، بعید به‌نظر می‌رسد که رشید وطواط صاحب چنین رباعی‌ای باشد، به‌ویژه این‌که مضمون یا مضامینی شبیه به آن به‌هیچ‌وجه در *دیوان* او به چشم نمی‌خورد.

۳. به‌نظر می‌رسد که تقی‌الدین کاشانی و کاتب نسخه پاریس که عیناً از روی *خلاصة‌الأشعار* رونویسی کرده است، به‌تبع اشتباهی که جامی کرده و رباعی مذکور را از آن وطواط دانسته است، این شعر را در سلک اشعار وی آورده‌اند. باید گفت که جامی تنها در این مورد مرتکب خطا نشده، بلکه چنان‌که در ادامه نشان داده می‌شود، مجدداً

رباعی‌ای از آن رشیدی سمرقندی را به و طواط نسبت داده و این رباعی را دقیقاً پس از رباعی یادشده در این قسمت آورده است. در حقیقت هر سه شعری که جامی به‌عنوان نمونه از سروده‌های و طواط نقل کرده است (← جامی، ۱۳۷۹: ۱۳۷-۱۳۸)، بی‌تردید از آن او نیست؛ حتی قطعه‌ای نیز که در *دیوان و طواط مصحح نفیسی* وارد نشده، اما در *بهارستان* به و طواط نسبت داده شده است، سروده رشیدی سمرقندی است و در *لباب‌الالباب*، *مجمع‌الفصحاء* و *آتشکده آذر* در زمره اشعار وی آمده است (عوفی، ۱۳۲۴: ۱۷۹/۲؛ هدایت، ۱۳۸۲: ۳۲۸/۱ و آذر بیگدلی، ۱۳۳۷: ۳۴۱/۱). شاید جامی زمانی که به ذکر شعرای ماوراءالنهر و رشیدالدین و طواط رسیده، *دیوان* وی را در دست نداشته است؛ از همین رو ابیات دیگری را که سرایندگان آن‌ها آوازه چندان نداشته‌اند، به و طواط نسبت داده است یا اینکه وی در هنگام نقل اشعار و طواط، *لباب‌الالباب* عوفی را در دست داشته و با دیدن نام رشیدی و نسبت او به ماوراءالنهر گمان کرده که او همان رشیدالدین و طواط است و دو رباعی و یک قطعه منتسب به رشیدی را از و طواط دانسته و آن‌ها را در *بهارستان* نقل کرده است. آن‌طور که از شواهد و قرائن برمی‌آید، نظر دوم محتمل‌تر است؛ زیرا دقیقاً دو رباعی و قطعه‌ای که جامی در ذیل شرح احوال و طواط نقل کرده، عوفی در *لباب‌الالباب* در ذکر رشیدی سمرقندی آورده است.

دیگر شعر دخیل در *دیوان و طواط*، رباعی‌ای است که در هیچ‌یک از نسخ موردبررسی ما نیامده است:

تا گرد رخت سنبل تر کاشته‌اند	عشاق دل از مهر تو برداشته‌اند
آن چاه دَقَن که دل در او می‌افتاد	تا لب به بنفشه تر انباشته‌اند

(و طواط، ۱۳۳۹: ۶۱۴)

و دلایل رد آن همان‌طور که گفته شد:

۱. یکی آن است که در هیچ‌یک از هجده نسخه موردبررسی ما در این تحقیق که در زمره آن کهن‌ترین نسخ باقی‌مانده از *دیوان و طواط* نیز هست، نیامده است.
۲. دیگر آنکه این رباعی با کمی تفاوت در *خلاصه‌الأشعار* بخش اصفهان آمده و در آنجا به مولانا کمال‌الدین حسین ضمیری منسوب است. صورت رباعی در *خلاصه‌الأشعار* چنین است:

تا گرد لب سنبل تر کاشته‌اند	عشاق دل از مهر تو برداشته‌اند
چاه زَنخْت که دل در او می‌افتد	تا لب ز بنفشه تر انباشته‌اند

(تقی‌الدین کاشانی، ۱۳۸۶: ۴۵)



همچنین این شعر در کتاب *جنگ رباعی* به پژوهش سیدعلی میرافضلی با اندکی اختلاف به نام امامی هروی آمده است:

تا گرد رخت عنبر تر کاشته‌اند عشاق دل از مهر تو برداشته‌اند  
چاه زَنخْت که دل در آن می‌افتاد تا سر به بنفشه تر انباشته‌اند  
(میرافضلی، ۱۳۹۴: ۴۷۴)

جالب آنجاست که در این کتاب نیز این رباعی از *خلاصه‌الأشعار* تقی‌الدین کاشانی دست‌نویس ۷۷۹۰ دانشگاه تهران به نام امامی هروی نقل شده است؛ یعنی در نسخ *خلاصه‌الأشعار* یک رباعی به دو شاعر نسبت داده شده است. میرافضلی درباره این رباعی می‌نویسد:

این رباعی در *دیوان رشید وطواط* هم وارد شده و در مجموعه اشعار و مراسلات کتابخانه لالا اسماعیل به اسم مجد همگر دیده می‌شود؛ اما منابع دیگر این دو انتساب را تأیید نمی‌کنند (همان: ۴۷۷).

همچنین در *دیوان امامی هروی* تصحیح عصمت خوئینی این رباعی به نقل از همان دست‌نویس از *خلاصه‌الأشعار* به نام وی نقل شده است (← امامی هروی، ۱۳۹۴: ۲۲۲). با اینکه انتساب این شعر به امامی هروی محتمل است، نباید فراموش کرد که تقی‌الدین کاشانی قریب به عهد کمال‌الدین حسین ضمیری می‌زیسته است و این دو هم‌عصر بوده‌اند و عجیب است که مؤلف *خلاصه‌الأشعار* به اشتباه شعری از آن وطواط یا یکی از شعرای متقدم را در مطاوی اشعار یکی از هم‌عصران خود که اشعارش به قول خود کاشانی زبانزد عام و خاص بوده است (تقی‌الدین کاشانی، ۱۳۸۶: ۴-۵) آورده باشد. به هر روی اگرچه نمی‌توان در باب سراینده این رباعی قضاوت جزمی کرد، اما با توجه به انتساب این شعر به شاعران متفاوت و با در نظر گرفتن آنکه این رباعی در نسخ مورد بررسی ما نیامده است، آن را از اشعار دخیل در *دیوان وطواط* می‌دانیم.

شعر دیگری که به اشتباه در *دیوان وطواط* مصحح نفیسی وارد شده، رباعی زیر است:

بر یاد تو، بی تو، این جهان گذران بگذاشتم، ای ماه و تو از بی‌خبران  
دست از همه شستم و نشستم به کران چون بی تو گذشت، بگذرد بی دگران  
(وطواط، ۱۳۳۹: ۶۱۷)

که تقریباً دلایل رد انتساب آن شبیه به دلایل ذکر شده برای رباعی «چشمی دارم همه پر از صورت دوست...» است:

۱. این رباعی تنها در نسخه «ه»، «ی» و «ب» آمده است که این نسخ بیشترین اختلاف را با نسخه‌ها و جُنگ‌های کهن دارند و این یکی از دلایلی است که به‌طور کلی در اعتبار آن شبهه ایجاد می‌کند. پانزده نسخه و جُنگ دیگر این رباعی را ندارند. شایان ذکر است که هیچ‌کدام از این سه نسخه پیش‌تر از قرن یازدهم کتابت نشده‌اند و در نسخ و جُنگ‌های قدیمی این رباعی به نام وطواط نیامده است.
۲. احتمالاً به‌سبب اشتباه جامی که رشیدی سمرقندی را با رشید وطواط خلط کرده و این رباعی را از آن وطواط دانسته (جامی، ۱۳۷۹: ۱۳۸)، شعر مذکور در این نسخ راه یافته است. جامی در بهارستان سه نمونه شعر برای وطواط ذکر کرده که همه آن‌ها در *لباب‌الالباب* منسوب به رشیدی سمرقندی است.
۳. این رباعی در *لباب‌الالباب*، *آتشکده آذر* و *مجمع‌الفصحاء*، به نام رشیدی سمرقندی از شاعران قرن ششم آمده است (عوفی، ۱۳۲۴: ۱۸۰/۲؛ هدایت، ۱۳۸۲: ۳۲۸/۱؛ آذربیدلی، ۱۳۳۷: ۳۴۱/۱).

## ۵. نتیجه

آوازه رشیدالدین وطواط و رتبه و پایگاه او در دربار خوارزم‌شاهیان و همچنین اشتهار او به استعمال صنایع بلاغی و آرایه‌های ادبی و صنعت‌پیشگی در سرودن اشعار و ترتیب ابیات و تنظیم الفاظ باعث شده است که از قدیم اشعاری از دیگر شاعران و سخنوران به *دیوان* اشعار او راه یابد و کاتبان و ناسخان نسخ و جُنگ‌ها ابیاتی را که عموماً گویندگان آن از ناظران کمتر شناخته‌شده و بی‌نام‌ونشان‌تری بوده‌اند، در مطاوی اشعار او و به نام او ثبت و ضبط کنند. این عامل سبب شده است که اشعار بسیاری از دیگر شاعران در *دیوان وطواط مصحح سعید نفیسی* راه یابد. براساس نتایج به‌دست‌آمده در این تحقیق به‌نظر می‌رسد که در *دیوان* شاعر دو قصیده از مجیرالدین بیلقانی و یک قصیده از قوام‌الدین گنجوی، ابیاتی از امیر خسرو دهلوی، یک قطعه از ابونصر طالقانی و قطعه دیگر احتمالاً از ابوالمعالی نحاس رازی، دو رباعی احتمالاً از رشیدی سمرقندی و رباعی دیگر احتمالاً از کمال‌الدین حسین ضمیری راه یافته است که انتساب آن‌ها را به وطواط نه‌تنها نسخ کهن و معتبر *دیوان* وی پشتیبانی نمی‌کند، بلکه منابع و مأخذ دیگر نیز بر ردّ انتساب آن‌ها به وی مهر تأیید می‌زند. باری ممکن است در *دیوان* شاعر مصحح نفیسی اشعار دیگری نیز آمده باشد که احتمالاً سروده وطواط نیستند و دلایل تاریخی و سبک‌شناختی و نسخه‌شناختی، همه حکم بر ردّ انتساب آن ابیات به وی می‌دهند؛ اما

باید در نظر داشت در این تحقیق تنها اشعاری بررسی شده است که به احتمال قریب به یقین می‌توان آن‌ها را از موارد دخیل در دیوان و طواط دانست و با قطعیت نسبی از رد انتساب آن‌ها به طواط سخن گفت و نه با تکیه بر گمان و تخمین.

## منابع

- آبادی، محمد (۱۳۵۸)، *مقدمه دیوان مجیرالدین بلیقانی*، تبریز، مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- آذربیدگلی، لطفعلی بیگ (۱۳۳۷)، *آتشکده آذر*، چاپ سیدجعفر شهیدی، ج ۱، تهران، کتاب.
- اصفهان‌ی، عمادالدین (۱۳۷۵ق/۱۹۵۵)، *خریده القصر و جریده العصر*، چاپ محمد بهجة الأثری و جمیل سعد، بغداد، المجمع العلمي العراقي.
- امامی هروی (۱۳۹۴)، *دیوان*، چاپ عصمت خوئینی، تهران، میراث مکتوب.
- امیر خسرو دهلوی (۱۳۶۱)، *دیوان کامل*، چاپ سعید نفیسی، تهران، جاویدان.
- انوری (۱۳۶۴)، *دیوان*، چاپ محمدتقی مدرّس رضوی، تهران، علمی و فرهنگی.
- اوحالدین کرمانی (۱۳۶۶)، *دیوان رباعیات*، چاپ احمد ابومحسوب، تهران، سروش.
- بشری، جواد (۱۳۸۹)، *مقدمه ترجمه منظوم وصیت امام علی به امام حسین*، تهران، میراث مکتوب.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، «گفتاری در تکمیل دیوان قوامی رازی و تصحیح قصیده باز یافته‌ای از او»، *آینه میراث*، ش ۵۲، ص ۳۵-۶۲.
- بینش، تقی (۱۳۶۹)، *مقدمه دیوان رفیع‌الدین لنبانی*، تهران، پازنگ.
- پنج دیوانات، دست‌نویس کتابخانه ملی پاریس، نسخه ش s.p.799، کتابخانه ملی پاریس.
- تقی‌الدین کاشانی، محمد (بی‌تا)، *خلاصة الأشعار و زبدة الأفكار*، نسخه ش ۴۵۴۹، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶)، *خلاصة الأشعار و زبدة الأفكار (بخش اصفهان)*، چاپ عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری کهنمویی، تهران، میراث مکتوب.
- جاجرمی، محمد بن بدرالدین (۱۳۳۷)، *مونس الأحرار فی دقائق الأشعار*، چاپ میرصالح طبیبی، تهران، اتحاد.
- جامی، عبدالرحمن (۱۳۷۹)، *بهارستان و رسائل جامی*، چاپ اعلاخان افصح‌زاد، محمدجان عمرف و ابوبکر ظهورالدین، تهران، میراث مکتوب.
- جنگ اسماعیل صائب، دست‌نویس کتابخانه اسماعیل صائب، نسخه ش ۳۷۷۵، کتابخانه اسماعیل صائب ترکیه.
- چترایی، مهرداد (۱۳۹۲)، «اشعار نویافته شاعران قدیم کرمان در سفینه سعدالهی»، *آینه میراث*، ش ۵۳: ۶۷-۹۸.
- حمدالله مستوفی (۱۳۶۴)، *تاریخ گزیده*، چاپ عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر.
- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل (۱۳۸۵)، *دیوان*، به کوشش ضیاء‌الدین سجادی، تهران، زوآر.
- \_\_\_\_\_، *دیوان خاقانی شروانی*، نسخه ش ۹۷۶، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۸۰)، *تاریخ حبیب‌الستیر*، چاپ محمد دبیرسیاقی، ج ۲، تهران، خیام.

- دولت‌شاه سمرقندی (۱۳۸۲)، *تذکره الشعراء*، چاپ ادوارد براون، تهران، اساطیر.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۳)، *امثال و حکم*، تهران، امیرکبیر.
- دیباچی، سیدابراهیم (۱۳۸۲)، «نخستین بدیعیه فارسی (بدائع الأسحار فی صنائع الأشعار) قوامی مطرزی گنجوی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، سال پنجاه و سوم، ش ۱، ص ۲۷-۳۴.
- سروری، امید (۱۳۹۵)، نسخه ۲۱۲۲ بخشی از مجموعه ۱۴۰۱۷، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. کتابخانه مجلس شورای اسلامی، فرزند هرات؛ *ارج نامه استاد نجیب مایل هروی*، چاپ علی اوجبی، تهران، خانه کتاب، ص ۴۴۷-۴۶۲.
- سعیدی، سارا و تقی پورنامداریان (۱۳۹۵)، «بررسی انتقادی تصحیح دیوان رشیدالدین وطواط»، *آینه میراث*، ش ۵۸، ص ۱۵۳-۱۷۲.
- شمس‌قیس رازی (۱۳۸۸)، *المعجم فی معاییر اشعار العجم*، چاپ محمد بن عبدالوهاب قزوینی و چاپ مجدد مدرس رضوی و چاپ مجدد سیروس شمیسا، تهران، علم.
- ظهرالدین فاریابی (۱۳۸۱)، *دیوان*، چاپ امیرحسین یزدگردی، چاپ اصغر دادبه، تهران، قطره.
- عبدالواسع جبلی (۱۳۳۹)، *دیوان*، چاپ ذبیح‌الله صفا، تهران، امیرکبیر.
- عوفی، محمد (۱۳۲۴/ق ۱۹۰۶)، *لباب‌الکباب*، چاپ ادوارد براون، ج ۲، لیدن، بریل.
- مجیرالدین بیلقانی (۱۳۵۸)، *دیوان*، چاپ محمد آبادی، تبریز، مؤسسه تاریخ فرهنگ ایران.
- مدتری، محمود (۱۳۸۹)، *مقدمه دیوان نجیب‌الدین جریذقانی*، کرمان، دانشگاه شهید باهنر.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۶)، *کلیات شمس تبریزی به انضمام شرح حال مولوی چاپ بدیع‌الزمان فروزانفر*، تهران، امیرکبیر.
- میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱)، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، چاپ علی‌اصغر حکمت، تهران، امیرکبیر.
- میرافضلی، سیدعلی (۱۳۸۳)، *رباعیات خیام در منابع کهن*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴)، *جنگ رباعی؛ بازیابی و تصحیح رباعیات کهن پارسی*، تهران، سخن.
- نفیسی، سعید (۱۳۴۱)، *محیط زندگی و اشعار و احوال رودکی*، تهران، کتابخانه ابن سینا.
- نورایی، الیاس و سهیل یاری گل‌دره (۱۳۹۴)، «تحقیق در اشعار پراکنده ابوالمعالی نخاس رازی»، *آینه میراث*، ش ۵۶، ص ۳۱۳-۳۲۸.
- نوریان، سیدمهدی، غلام‌حسین شریفی و مرتضی رشیدی آشجردی (۱۳۸۶)، «باغ نظر و رامش دل (معرفی سفینه‌ای بی‌مانند از قرن هفتم)»، *پژوهش‌های ادب عرفانی*، ش ۳، ص ۳۷-۶۳.
- وطواط، رشیدالدین (۱۳۳۹)، *دیوان*، چاپ سعید نفیسی، تهران، کتابخانه بارانی.
- هدایت، رضاقلی‌خان (۱۳۸۲)، *مجمع الفصحاء*، چاپ مظاهر مصفا، ج ۱، تهران، امیرکبیر.
- یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۸۹)، «ضرورت تصحیح مجدد دیوان رشید وطواط»، *ادب و زبان*، دوره جدید ش ۲۸، ص ۳۸۴-۳۹۸.